

درس خارج
فقه نظام عمران شهری
جلسه ۲۸ (راه‌ها ۶)

۹۴/۱۱/۰۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

چند دسته از روایات مربوط به راه‌ها را بحث کردیم که آخرین دسته، روایات دال بر مطلوبیت سعه راه‌ها خصوص راه‌های اصلی بود؛ بیان شد که از روایات استفاده می‌شود که در اسلام سعه راه‌ها بالاخص راه‌های اصلی در شهرها مطلوبیت دارد.

بحث این قسمت در دسته بعدی از روایات مربوط به راه‌هاست؛ این دسته مربوط به جداسازی راه سواره از پیاده است. یعنی از برخی از روایات استفاده می‌کنیم که در شرع مطلوب است که راه سواره از راه پیاده جدا باشد.

مرحوم شیخ طوسی به سندش نقل می‌کند:

«مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ عَنْ حَمَزَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمًا صَلَّى يَا مَعْشَرَ الْفُرْسَانِ سِيرُوا فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ يَا مَعْشَرَ الرِّجَالِ سِيرُوا عَلَى جَنْبَيِ الطَّرِيقِ فَإِنَّمَا فَارِسٌ أَخَذَ عَلَى جَنْبَيِ الطَّرِيقِ فَأَصَابَ رَجُلًا عَيْبَ الزَّمَانَةِ الدِّيَةِ وَأَيُّمَا رَجُلٍ أَخَذَ فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ فَأَصَابَهُ عَيْبٌ فَلَا دِيَّةَ لَهُ.»^۱

حضرت فرمود وقتی قائم ما حضرت ولی عصر ع قیام می‌کند، اعلام می‌کند که ای سواره‌روها (فرسان جمع فارس به معنای سواره است.) از وسط راه حرکت کنید. ای رجالا (رجال هم به معنای پیاده‌رو است) از کناره راه طی مقصد کنید. اینکه می‌گوید چنین و چنان کنید به دلیل آن است که ایشان حاکم است وقتی حاکم است و وقتی می‌گوید چنین کنید یعنی این کار قانون است و دستور می‌شود. یعنی چنین می‌شود که یک راه مخصوص راه سواره خواهد بود که همان میانه راه است، میانه راه را اختصاص به سواره‌ها می‌دهند و دو طرف راه اصلی مخصوص پیاده‌روهاست. به دلیل اینکه قانون می‌شود که سواره باید از آن راه میانه برود پس اگر سواره از راه پیاده‌رو رفت و در نتیجه این خلاف به شخصی ضرر رساند مثلاً به شخصی اصابت کرد و عیبی به او وارد کند باید دیه او را بدهد. اما اگر پیاده‌ای بیاید در راه سواره حرکت کند و عیبی به او وارد شود و یا تصادف کند در اینجا دیه ندارد.

البته ما می‌توانیم از این روایت حتی نسبت به قوانین مربوط به دیات در شرایط کنونی هم استفاده کنیم؛ اگر یک راهی به سواره‌روها اختصاص پیدا دارد و پیاده‌روی در آن راه حرکت کرد و او را زیر گرفتن و ضرری به او وارد شد در اینجا حق مطالبه دیه را ندارد زیرا خلاف قانون حرکت کرده است. از این روایت مطالب زیادی

استفاده می‌شود حتی این هم استفاده می‌شود که اگر کسی تخلف رانندگی انجام دهد که در نتیجه آن آسیبی ببیند حق مطالبه دیه ندارد؛ به دلیل اینکه او تخلف کرده است.

روایت از لحاظ شواهد فنی سند واجد شرایط صحت نیست اما با توجه به اینکه اولاً مضمون روایات موافق با اعتبار عقلی است یعنی اعتبار عقلی هم همین را می‌گوید و قاعده او هم همین است. ثانیاً با قوانین شرعی هم سازگار است؛ یعنی وقتی کسی به دست خود، خود را در معرض آسیب قرار دهد قاعده این کار موجب رفع ضمان می‌شود. مثلاً یک ماشینی راه می‌رود و فردی خود را جلوی ماشین بیاندازد که در این صورت دیگر نمی‌تواند تقاضای دیه کند. علاوه بر این، مضمون روایت چیزی نیست که داعی کذب بر جعل آن وجود داشته باشد. یک وقت مضمون روایت موضوعی است و مثلاً یک گروهی را علیه یک گروه دیگر تأیید یا مطلبی را نقل می‌کند که به نفع عده یا علیه عده‌ای دیگر است که در این صورت احتمال کذب در این گونه مضامین وجود دارد اما یک مضمونی که از آن مضامینی نیست که کسی بگوید دروغ است و برای اثبات همچنین مطلبی جعل حدیث کند. این مضمون حدیث مضمونی نیست که داعی بر کذب داشته باشد لذا با توجه به این قرائن و قرائن دیگر ما می‌توانیم به صحت مضمون اطمینان پیدا کنیم و به روایت عمل کنیم علی‌رغم اینکه سند این روایت از لحاظ فنی واجد شرایط صحت نیست.

دسته دیگر از روایات دسته‌ای است که تأکید بر ایجاد مراکز خدمات‌رسانی در میان راه‌ها دارد. به دلیل اینکه یک روایت در این باب خوانده شد می‌خواهیم بر روایات این باب چند روایت دیگر را اضافه کنیم. طبق این روایات هر نوع مرکز خدمت‌رسانی به عابران در بین راه‌ها شدیداً مورد تأکید شارع قرار گرفته است.

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ بِسَنَدٍ تَقَدَّمَ فِي عِيَادَةِ الْمَرِيضِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: وَ مَنْ بَنَى عَلَى ظَهْرِ طَرِيقٍ مَأْوَى عَابِرِ سَبِيلٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ ذُرِّ وَ جَوْهَرٍ وَ وَجْهُهُ يُضِيءُ لِأَهْلِ الْجَمْعِ نُوراً حَتَّى يُزَاحِمَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ فِي قُبَّتِهِ فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَمْعِ هَذَا مَلِكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَمْ تَرِ مِثْلَهُ قَطُّ وَ دَخَلَ فِي شَفَاعَتِهِ الْجَنَّةَ أَرْبَعُونَ أَلْفَ رَجُلٍ وَ مَنْ شَفَعَ لِأَخِيهِ شَفَاعَةً طَلَبَهَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ فَكَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُ أَبَداً فَإِنْ هُوَ شَفَعَ لِأَخِيهِ شَفَاعَةً مِنْ غَيْرِ أَنْ يَطْلُبَهَا كَانَ لَهُ أَجْرُ سَبْعِينَ شَهِيداً وَ مَنْ حَفَرَ بُئْراً لِلْمَاءِ حَتَّى اسْتَنْبَطَ مَاءَهَا فَبَذَلَهَا لِلْمُسْلِمِينَ كَانَ لَهُ كَأَجْرِ مَنْ تَوَضَّأَ مِنْهَا وَ صَلَّى وَ كَانَ لَهُ بِعَدَدِ كُلِّ شَعْرَةٍ لِمَنْ شَرِبَ مِنْهَا مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ بَهِيمَةٍ أَوْ سَبْعٍ أَوْ طَيْرٍ عِشْرُونَ أَلْفَ رَقَبَةٍ وَ وَرَدَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ دَخَلَ فِي شَفَاعَتِهِ عَدَدُ النُّجُومِ حَوْضُ الْقُدْسِ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا حَوْضُ الْقُدْسِ قَالَ حَوْضِي حَوْضِي حَوْضِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.»^۲

اگر کسی در بین راه مأوا و پناهگاهی ایجاد کند ثواب زیادی برای دارد و خداوند متعال در روز قیامت جایگاهی ویژه‌ای به او می‌دهد.

روایت دیگر را مرحوم قطب راوندی در لب اللباب نقل می‌کند:

«عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ حَفَرَ بُئْرًا أَوْ حَوْضًا فِي صَحْرَاءٍ صَلَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ طَيْرٍ أَوْ بَهِيمَةٍ أَلْفُ حَسَنَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفُ رَقَبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَ أَلْفُ بَدَنَةٍ وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُسَكِّنَهُ حَظِيرَةَ الْقُدُسِ»^۳

کسی که یک چاه یا یک حوضچه آبی برای استفاده عابران در راه ایجاد کند به وسیله فراهم کردن آن حوضچه فرشتگان آسمان به او رحمت می‌فرستند. هرکسی که از آب او بنوشد حتی اگر بهایم و پرندگان از آن استفاده کنند درازای آن خداوند متعال هزار حسنه مقبوله برای او ثبت می‌کند، مانند کسی است که هزار برده از اولاد اسماعیل علیه السلام را آزاد کرده باشد و مانند کسی است که هزار شتر را در راه خدا قربانی کرده باشد. خداوند او را در جایگاه حظیره القدس که از عالی‌ترین منازل بهشتی است جای دهد.

روایت سوم روایتی است که مرحوم شیخ کلینی به سند صحیح از مصادف که پیشکار حضرت صادق علیه السلام بوده است نقل می‌کند:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ مُصَافٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ فَمَرَرْنَا عَلَى رَجُلٍ فِي أَصْلِ شَجَرَةٍ وَ قَدْ أَلْقَى بِنَفْسِهِ فَقَالَ مِلْ بِنَا إِلَى هَذَا الرَّجُلِ فَإِنِّي أَخَافُ أَنْ يَكُونَ قَدْ أَصَابَهُ عَطَشٌ فَمِلْنَا فَإِذَا رَجُلٌ مِنَ الْفَرَّاسِينَ طَوِيلُ الشَّعْرِ فَسَأَلَهُ أَعْطَشَانِ أَنْتَ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ لِي انْزِلْ يَا مُصَافٍ فَاسْقِهِ فَنَزَلْتُ وَ سَقَيْتُهُ ثُمَّ رَكَبْتُ وَ سِرْنَا فَقُلْتُ هَذَا نَصْرَانِي فَتَتَصَدَّقُ عَلَيَّ نَصْرَانِي فَقَالَ نَعَمْ إِذَا كَانُوا فِي مِثْلِ هَذَا الْحَالِ»^۴

در سفر مکه خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که در بین راه مکه و مدینه، گذر ما به یک مردی خورد که در پای یک درخت خود را انداخته بود. امام صادق علیه السلام فرمود: راه خود را به سمت این مرد کج کن شاید او دچار تشنگی شده که در کنار درخت افتاده است. وقتی که راه را به سمت او کج کردیم مشاهده کردیم که مردی است از فراسین یا فریسین - فریسین یک تیره از بنی اسرائیل است - که با موهای بلند نشسته بود. حضرت از او پرسید آیا تشنه هستی؟ گفت بله؛ حضرت به من فرمود پیاده شو و به این مرد آب بده و او را سیراب کن. پیاده شدم و به او آب دادم. بعد به راه افتادیم. به حضرت عرض کردم که او مسلمان نبود، شما این صدقه را در حق

۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص: ۳۸۶

۴. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص: ۵۷

یک نصرانی انجام دادید، آیا این کار درست است؟ حضرت فرمود: بله؛ اگر کسی چنین حالی داشته باشد اگر نصرانی هم باشد باید به او کمک کرد.^۵

شاهد مثال این است که امام صادق علیه السلام در بین راه یک تشنه غیر مسلمی را می بیند و راه را به سمت او کج می کند و دستور می دهد که به او آب دهند؛ این کار دلالت بر استحباب مؤکد آب رسانی به عابران طریق است. باید برای کسانی که در بین راه تشنه و گرسنه می شوند افرادی باشند که آب رسانی و غذا رسانی کرده و برای آنها مأوا تأمین کنند. این روایت هم دلالت بر استحباب مؤکد خدمات رسانی بین راهها دارد. ما از این روایت استفاده می کنیم که یکی از مهم ترین کارهایی که دولت ها باید نسبت به راهها انجام دهند فراهم سازی شرایط خدمات رسانی است. یکی از دلایل تصادف هایی که در بین راهها روی می دهد کمبود محل استراحت در بین راههاست؛ اگر این رانندگان در بین راه محل استراحت کافی داشته باشند به محض احساس خستگی در آنجا استراحت و رفع خستگی می کند.

حتی این کار یک منبعی برای اشتغال است؛ اگر همین یک کار را در کشور انجام دهیم شغل هایی زیادی ایجاد خواهند شد. سرمایه زیادی هم نمی خواهد بلکه یک مقدار حمایت نیاز دارد.

به هر حال این کار در موازین شرعی ما تأکید شده است که بین راهها باید خدماتی ایجاد کرد و ایستگاه های خدماتی به وجود آورد.

تقریباً دسته های روایاتی مربوط به راهها را بررسی کردیم و از این به بعد نوبت به آن می رسد که ببینیم از این دسته ها چه قوانین و احکامی می توان از این روایات به دست آورد.

اولین قاعده ای که استفاده می شود همین قاعده «حق الستطراق» و «حق الطريق» است که هرکسی در جایی ملکی دارد راه به آن ملک هم حق اوست و کسی نمی تواند بیان کند که این زمین [که سر راه خانه تو قرار دارد] متعلق به من است و نمی گذارم به زمین خود بروی. حق استطراق حقی است که هرکسی باید برای زمین خود داشته باشد. این حق متناسب با نوع استطراق است؛ یعنی در عرف فعلی ما راه به زمین و خانه باید راه سواره هم داشته باشد و بتواند با ماشین به خانه بروند. این راه متناسب با آن نوع طریقی است که به طور عرفی نیاز است. لذا هرکسی زمینی دارد باید راه به آن زمین را هم به راحتی داشته باشد. آن هم راهی که به اندازه ای باشد که سواره هم بتواند از آن عبور کند و این مقدار از راه حق هر انسانی است. نتایج زیادی بر این کار بار می شود. یکی از نتایجی که بار می شود این است که حال اگر در یک محله ای بیست خانه وجود دارد، راهی که

۵. البته ما از این روایت استفاده دیگری هم برای فروع مختلف فقهی می کنیم.

برای این محله ایجاد می‌شود باید متناسب به همه این بیست خانه باشد. این بیست خانه به‌طور متعارف روزانه چقدر تردد دارند و چقدر ماشین از این محله عبور می‌کند؟ طریقی آن نباید به شکلی باشد که فقط یک راه باریکه‌ای باشد که افراد تنها بتوانند خود را به خانه برسانند بلکه معنای طریق این است که به تناسب کسانی که در یک محله‌ای سکنا دارند باید یک راه مناسبی وجود داشته باشد که مزاحمت برای همدیگر ایجاد نکنند. باید به تناسب آن خانه‌ها و محل‌های مسکونی و یا غیر آن این راه تعریض شده و عرض داشته باشد باید این راه برای پذیرایی این تعداد آمادگی کامل را داشته باشد.

و صلی الله علی محمد و آله و سلم